

چه اتفاقی افتاد که از سال ۱۵۰۰ میلادی که آدم‌ها نوعاً متدین بودند و دیانت اصل جافتاده و مسلمی فرض می‌شد، به سال ۲۰۰۰ میلادی رسیدیم؟ جایی که بسیاری دیندار نیستند بدون اینکه هیچ چیز بدیهی‌ای را انکار کرده باشند

می‌شد، به سال ۲۰۰۰ میلادی رسیدیم؟ جایی که بسیاری دیندار نیستند بدون اینکه هیچ چیز بدیهی‌ای را انکار کرده باشند؛ یعنی کسی که دیندار نیست لزوماً انسان عجیب و غریب و خاصی نیست. در این پانصد سال، از ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ میلادی، چه اتفاقی افتاده که چنین تحولی رخ داده است؟ تیلور از این موضوع صحبت می‌کند.

ولی نظر خودش بر این است که اگر از همین چارچوب درون ماندگار شروع کنیم، دسته‌ای از عوامل وجود دارد که ما را به ماورا سوق خواهد داد؛ مثلاً معنای زندگی و سؤال از مرگ چیزی است که حتی ممکن است انسان ملحد هم با آن مواجه شود. مواجهه انسان با مرگ عزیزان، موجب حیرت، ابهام و انبوهی از افکار متنوع می‌شود که او را رها نخواهد کرد. این پرسش که «آیا همه چیز اینجا تمام می‌شود یا اینکه استمراری برای این حیات قابل تصور است؟»

همزمان با این تغییراتی که در معنای انسان و جهان رخ داد؛ دین، با دقیق‌تر بگوئیم معنای دین نزد انسان هم دچار یک تحول شد.

بله اتفاقات متعدد و مختلفی هم برای دین افتاده است. یکی از نقدهای من به تیلور این بود که شما این سؤال را که می‌پرسید، یعنی باورمندی در سال ۱۵۰۰ میلادی تا باورمندی در سال ۲۰۰۰ میلادی اساساً باورمندی‌ای نیست که بخواهیم آن‌ها را با هم مقایسه کنیم؛ یعنی آن موقع باورمندی معنایها و دلالت‌هایی داشت ولی الان چیز دیگری است و اساساً شاید مقایسه این دو با هم روان‌باشد.

ما دین داری سنتی را در همان فضای سنتی داریم؛ یعنی فردی که در متن جامعه است که در متن کاسموس هست منتها هرچه جلوتر می‌رویم نگاه‌ها به انسان عوض می‌شود. پیشرفت‌های علمی گسترده‌ای رخ می‌دهد. امثال گالیله و کپلر گفتند که همه ما داریم به دور خورشید می‌چرخیم و اگر همین‌طور جلوتر بیاوریم و به نیوتن و داروین و فریود برسیم، اصلاً جهان ما دگرگون شده تا به امروزی برسیم که هیمنزوب را داریم؛ جهانی که ۱۳ تا ۱۴ میلیارد سال قدمت دارد و ما هیچ چیزی در این گستره نیستیم. نکته‌ای که تیلور می‌گوید این است که خود این پیشرفت‌های علمی مسئله نیست؛ بلکه مسئله تصویر بدیلی است که این پیشرفت‌های علمی از جهان ارائه می‌دهند و اینکه این تصویر بدیل با تصویری که قبلاً از دین و از جهان داشتیم با هم تعارض دارد. یعنی براساس آموزه‌های دینی، تصویری از جهان ارائه می‌شد که با تصویری که امروز براساس یافته‌های علمی ارائه می‌شود، متفاوت است. این منشاء مهمی از تغییرات است.

از سوی دیگر، ما شاهد تفاسیر انسان‌محورانه‌ای از دین هستیم. بسیاری از بایدها و نبایدهای دینی که به عنوان امور مسلم پنداشته می‌شد تحت نگاه حقوقی و جزایی قرار گرفت. مثلاً در فقه می‌گوید: «مولا امر کرده و شما باید امروا را اطاعت کنی و اگر نکنی گناهکاری». کم‌کم این مفهوم تغییری می‌کند و با تفاسیر دیگری جایگزین می‌شود، مثل اینکه فردی که مرتکب این فعل شده شرایط اجتماعی یا روانی خوبی نداشته و... کم‌کم از او سلب مسئولیت می‌شود. در مورد تکالیف شرعی نیز این اتفاق افتاده است که مرکزیت تبیین آن خود انسان است. گویا ماجرا حالت درمان‌گرانه‌ای گرفته است. به بیان دیگر بایدها و نبایدهای شرعی هم به خاطر خود شماسست، نماز نوعی ورزش است یا روزه، پاکسازی درون است. در این نگاه، آموزه‌های دینی براساس منافع انسان بازتفسیر می‌شوند و این با نگاه عبد و مولا فاصله دارد.

مسئله دیگر تعریفی است که تیلور از امر سکولار ارائه می‌دهد. در

دوران سنت و پیشامدرن که دین به نوعی هژمونی و حضور حداکثری در تمام شئون زندگی دارد؛ یعنی از ابتدای به دنیا آمدن یک انسان که باید غسل تعمید را از کلیسا شروع کند تا مراحل مختلف ازدواج تا خود مرگ، در همه شئون زندگی مانند آموزش و علم آموزی، حضور و نظارت دین وجود دارد تا چیزی خارج از چارچوب آن نباشد. از این هژمونی صددرصدی می‌رسیم به جایی که تیلور می‌گوید امروزه دین به یک گزینه در میان سایر گزینه‌ها تبدیل می‌شود. در جامعه غربی امروزه شما درباره هر چیزی که می‌خواهید، هم گزینه‌های دینی دارید و هم گزینه‌های غیردینی دارید؛ مثلاً درباره آموزش شما اگر آموزش دینی می‌خواهید، هست و اگر آموزش غیردینی می‌خواهید هست. در این حالت دین یک گزینه می‌شود و دیگر آن هژمونی صددرصدی را ندارد. این معنای سومی است که تیلور از امر سکولار ارائه می‌دهد.

تیلور معتقد است ما از قرون وسطا و نیز از دوره‌ای که در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی الحاد خیلی برجسته‌ای داریم گذر کرده‌ایم. ما وارد دوره‌ای شده‌ایم که اسم دوره را می‌توانیم دوران پس‌اسکولار بگذاریم. دوره‌ای که دین و بی‌دینی با هم دغدغه همزیستی دارند و بعد از قرن‌ها نزاع که دین و بی‌دینی به دنبال حذف هم بودند، به این نتیجه رسیدند که در کنار هم زندگی کنند. از اتفاقات دیگر هم این است که شاهد آئیم که معنویت از دین جدا می‌شود؛ در حالی که معنویت همواره در طول تاریخ جزئی از دین بوده و آموزه‌های معنوی همان آموزه‌های دینی بوده است اما در دوره‌های متأخرتر شاهد شکل‌گیری معنویتی هستیم که نه تنها جزو دین نیست که مستقل از دین است. این معنویت‌ها متنوع و گاهی حتی ضد دین هستند؛ یعنی حتی رویکردی متفاوتی در برابر دین ندارند، بلکه دین سنتی را نادرست و مضر می‌دانند و معتقدند که ما باید از آن عبور کنیم. جدایی معنویت از دین نیز یکی از اتفاقاتی است که در دوران متأخر برای دین افتاده است.

می‌شود راجع به این جدایی بیشتر توضیح دهید. آیا این جدایی به نظر تیلور کلاً مثبت است؟ حالا اینکه اجتناب‌ناپذیر بوده است سر جای خود، ولی آیا برای آینده کلاً مثبت است یا مخاطراتی می‌تواند داشته باشد؟ چون در نگاه سنتی، دین و در واقع، آن نظم دینی به نحوی با آن نظمی قرابت داشت که بر کل جهان و انسان حاکم می‌دانستند و می‌بینیم که دین در دنیای پیشامدرن به عنوان پشتیبان نظم سیاسی، نظم اخلاقی، امر اخلاقی و امر سیاسی هم ظاهر می‌شد. اما در دنیای مدرن که منبع اخلاق و قانون و سیاست هم به همین چارچوب درون‌ماندگار برمی‌گردد دیگر این درون، مبنای اخلاق و مبنای سیاست می‌شود. آیا در واقع تداوم این وضعیت از نظر تیلور نمی‌تواند برای بشر مخاطراتی ایجاد کند یا در واقع اصلاً نسبت معنویت با اخلاق یا سیاست در جهان امروز چه می‌شود؟

باید دوباره به این اشاره کنم که تیلور در مقام توصیف و تحلیل وضع موجود است. که به نظر من بهترین دلیل برای توجه به تیلور است چرا که از وضعیت فعلی ما و آبخش‌های آن، صورت‌بندی مفهومی خوبی ارائه می‌کند. در مقام توصیف و تحلیل این اتفاق افتاده است و نکته مهم همان فردگرایی است که در دوره مدرن روی داده است. تیلور در عصر سکولار فصلی به نام «دین امروز»^۴ دارد که خیلی فصل خواندنی و جالبی است. او می‌گوید در دوران معاصر هیچ نقطه امنی وجود ندارد؛ حتی انسان مؤمن ممکن است دچار این تردید شود که نکند باورهای من درست نباشد. از آن سو، فرد بی‌ایمان هم ممکن است فکر کند آیا من با از دست دادن باور به جهان غیرمادی چیز مهمی را از دست نداده‌ام؟ به

در گذشته حضور دین را در تمام شئون زندگی مشاهده می‌کردیم، از تولد تا مرگ، و اموری مثل ازدواج و آموزش. امروزه دین تبدیل می‌شود به یک گزینه در میان سایر گزینه‌ها.